



## نقد و معرفی کتاب راهنمای دستور ساختماند آکسفورد (۲۰۱۳)، به کوشش توماس هافمن و گریم تروزدال. آکسفورد: انتشارات دانشگاه آکسفورد.<sup>۱</sup>

شادی داوری

دستور ساختماند<sup>۱</sup>، نگرش منحصر به فرد زبان‌شناسی شناختی به مقولهٔ نحو است. از همین‌روست که شکوفایی این منظر نظر نوین به معماری نحوی زبان‌های دنیا به موازات سیلان رویکرد شناختی به زبان به وقوع پیوسته است. هدف اصلی پژوهش‌های نحو-محور در زبان‌شناسی شناختی، ارائهٔ چارچوبی برای تحلیل ساختاری زبان است که ریشه در فرآیندهای کلی شناختی دارد. مانند همهٔ نظریات علمی، این نظریه نیز در خلاء مطالعاتی تکوین نیافته، بلکه ظهور خود را مدیون انتقاداتی بوده است که بسیاری از زبان‌شناسان دهه‌ی شصت تا هشتاد میلادی به شیوهٔ تحلیل قاعده‌بنیاد دستورهای زایشی و نگرشی ایراد می‌کردند که در آن بخشی از داده‌های زبانی، هستهٔ زبان و سایر بخش‌ها، عناصر حاشیه‌ای زبان قلمداد می‌شدند. به باور این محققان، بسیاری از ساخت‌های حاشیه‌ای که فاقد ارزش تحلیل‌های زبان‌شناختی به‌شمار می‌رفتند، قادر به بازنمایی حقایق عمیق در خصوص الگوهای بنیادی زبان هستند و بسیاری از امکاناتی را که برای تبیین کامل واقعیات زبان مورد نیاز است، در اختیار پژوهشگران می‌نهند. رویکرد شناختی به نحو برخلاف رویکردهای زایشی، هستهٔ دانش دستور گویشوران را به قوهٔ ذهنی ویژه‌ای نسبت نمی‌دهد، در حقیقت موجودیت چنین قوه‌ای در این رویکرد اصولاً مورد تأیید نیست؛ بلکه دانش زبان تنها برخاسته از تجاربی زبانی قلمداد می‌گردد که از رهگذر ساز و کارهای روانشناختی از جمله مقوله‌سازی شکل می‌گیرد. با اتخاذ

۱. در نگارش این معرفی، سپاسدار استاد فرهیخته و دانشمند جناب آقای دکتر مهرداد نرگویی کهن هستم که با بزرگواری، موجبات آشنایی شاگرد همیشهٔ خویش را با دستور ساختماند فراهم آوردند.

### 2. Construction Grammar

✉ sh50d@yahoo.com

۱- دکترای زبان‌شناسی، مدرس گروه زبان‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد

علوم و تحقیقات شاهرود

تاریخ پذیرش: ۹۳/۱۰/۶

تاریخ دریافت: ۹۳/۰۹/۲۳

چنین رویکردی نه تنها تقابل‌های میان نظام و کاربرد زبان از یک‌سو و مطالعات هم‌زمانی و در زمانی از سوی دیگر از میان برداشته می‌شوند، بلکه هستی مقولات بنیادینی از جمله «فاعل»، که در تمامی رویکردهای زبان‌شناسی، ابزاری قاطع برای تحلیل‌های زبانی به‌شمار می‌رود، در تلقی زبان به‌عنوان عنصری همواره پویا دستخوش زدایش می‌شود. با آن‌که مطالعه ساخت‌ها به‌عنوان تناظرات صورت و معنا از زمان ارسطو تاکنون، مبنای بسیاری از جهش‌های نظری را در حیطه‌ی پژوهش‌های دستور-بنیاد تشکیل داده است، اما مطالعات زبان‌شناسی تنها در دو دهه اخیر، گرایش چشمگیری را به سمت رویکردهای ساخت-بنیاد به نمایش گذاشته‌اند. مجموعه این رویکردها که به‌عنوان نقطه اشتراک خود کلیه‌ی عناصر دستوری زبان اعم از تکواژ، واژه، اصطلاح و جمله را اساساً به منزله‌ی نشانه‌ی زبانی یعنی جفت‌های نمادین صورت و معنا برمی‌شمارند، به عنوان دستور ساختمان شناخته می‌شوند. از زمان معرفی این نظریه در دهه هشتاد، رویکردهای مختلفی در این مسیر پا به عرصه وجود گذاشته و از حمایت طرفداران بیشماری برخوردار گشته‌اند؛ از آن جمله می‌توان به دستور ساختمان<sup>۱</sup> فیلمور<sup>۲</sup> و کی<sup>۳</sup> (۱۹۹۳)، دستور شناختی<sup>۴</sup> لانگاکر<sup>۵</sup> (۱۹۸۷)، دستور ساختمان شناختی گلدبرگ<sup>۷</sup> (۱۹۹۵) و لیکاف<sup>۸</sup> (۱۹۸۷) و دستور ساختمان بنیادی<sup>۹</sup> (کرافت<sup>۱۰</sup> ۲۰۰۱) اشاره نمود. با وجود این، باید اعتراف کرد که دستور ساختمان به عنوان یک نظریه تمام عیار نحوی همواره فاقد یک منبع مطالعاتی مقتدر مانند چامسکی<sup>۱۱</sup> (۱۹۹۵) در برنامه کمیته‌گرا بوده است. در این میان، اگرچه نباید از اثر فیلمور و کی (۱۹۹۳) و معدود مقالاتی که به‌طور پراکنده در مجلات تخصصی زبان‌شناسی به چاپ رسیده‌اند غافل بود (فیلمور، کی و اکانر<sup>۱۲</sup> ۱۹۸۸، کی و فیلمور ۱۹۹۹)، اما باید اذعان داشت که تا پیش از چاپ کتاب گلدبرگ (۱۹۹۵) زبان‌شناسان علاقه‌مند به این حوزه نظری، منبعی جامع و یکپارچه که بر مبنای اندیشه‌های زیربنایی این نظریه به تدوین رسیده باشد، در اختیار نداشتند. از این‌رو، اثر گلدبرگ، علی‌رغم تمرکز بر برخی از ساخت‌های خاص دستوری از جمله ساخت موضوع<sup>۱۳</sup>، در فضای فقدان چنین کتب راهنمایی به کتاب مقدس دستور ساختمان بدل گردید. در صورتی که ابرنظریه زبان‌شناسی شناختی که بنیان‌های فکری دستور ساختمان را شالوده‌ریزی کرده‌است، از زمان طرح نظریه تاکنون از حجم وسیعی از منابع نظری بهره‌مند بوده‌است، اما همان‌طور که گردآورندگان کتاب راهنمای دستور ساختمان آکسفورد معترفند، موضوع برای نحله «دستور ساختمان» تا حدودی متفاوت بوده‌است. این بدین معنی است که با

1. Construction Grammar (with Capital letters)
2. Fillmore
3. Kay
4. Cognitive Grammar
5. Langacker
6. Cognitive Construction Grammar
7. Goldberg
8. Lakoff
9. Radical Construction Grammar
10. Croft
11. Chomsky
12. O'connor
13. Argument Structure

آن که بخشی (هرچند ناچیز) از کتب «زبان‌شناختی شناختی» (کرافت و کروز<sup>۱</sup>: ۲۰۰۴: ۲۲۵-۲۳۷، اوانز<sup>۲</sup> و گرین<sup>۳</sup>: ۲۰۰۶: ۶۴۱-۷۰۶ و اونگر<sup>۴</sup> و اشمید<sup>۵</sup>: ۲۰۰۶: ۲۵۶-۲۴۴) به برجسته‌سازی این نظریه نحوی اختصاص یافته‌است، اما هنوز هیچ مجلدی به‌طور مستقل، برای استفاده دانشجویان و محققان این حوزه به چاپ نرسیده‌است تا اختصاصاً مروری جامع بر نقاط اشتراک رویکردهای مختلف دستور ساختمند، تمایزات نظری این رویکردها و به‌کارگیری این دستور در دیگر حوزه‌های تحلیل زبان را به نمایش بگذارد. بر این اساس و با توجه به حضور کمرنگ منابع نظری در این فضای فکری و عملی، گردآوری و چاپ کتاب *راهنمای دستور ساختمند* از انتشارات آکسفورد را باید رخدادی میمون و خجسته قلمداد نمود، هرچند این مجموعه نیز مانند دیگر مجموعه‌های کتب راهنما که از سوی نگاه‌های انتشاراتی معتبر دنیا به چاپ می‌رسند جایگزینی همسان و شایسته برای کتب آموزشی یک نظریه که منابع معیار، در جریان اصلی اندیشه و نگرش نظریه هستند به‌شمار نمی‌رود، اما از آن‌جا که هویت دستور ساختمند نیز به میزانی فراوان از دیگر نگرش‌های نحوی به لحاظ فقدان یک تنه نظری بنیادین متمایز است، این منبع می‌تواند دستاوردی قابل ملاحظه در پرداختن به رویکردهای متفاوت ساختمند باشد. کتاب *راهنمای دستور ساختمند* مشتمل بر بیست و هفت فصل است. فصول این مجموعه که همگی از سوی پیروان این نظریه نحوی به رشته تحریر درآمده‌اند، خوانندگان را به سمت کارآیی مبانی دستورساختمند در حوزه‌های مختلف زبان‌شناسی از جمله ساختواژه، یادگیری زبان دوم، ساخت اطلاع، روان‌شناسی زبان و تغییرات زبانی هدایت می‌نمایند تا علاوه بر ارائه‌ی تصویری از شالوده‌های فکری این دستور برای زبان‌شناسان غیرشناختی، رضایت زبان‌شناسان ساختمندگرا و شناختی را نیز به لحاظ مطالعه در خصوص ارتباط این دستور و حوزه‌ای خاص از زبان برآورده نمایند. این مهم با بخش‌بندی کتاب به پنج بخش عمده شامل: «اصول و روش‌ها»، «رویکردهای ساختمند»، «از تکواژ تا بند و فراتر از آن»، «یادگیری و شناخت» و «گوناگونی‌ها و تغییرات زبانی» میسر می‌گردد. مقدمه‌ی کتاب که از سوی گردآوردندگان نگاشته شده‌است، ارائه‌ی تصویری کلی از انگاشته‌های دستور ساختمند و نقاط تعارضی است که این انگاره به لحاظ نظری با جریان اصلی دستور زایشی یا انگاره‌ی چامسکیایی به معرض نمایش می‌گذارد. تصویر مذکور در نخستین بخش کتاب که بر اصول و روش‌های دستور ساختمند متمرکز است بیش از پیش از سوی گلدبرگ به نمایش در می‌آید. گلدبرگ که عمده‌ی مطالعات خود در دستور ساختمند را بر مطالعه‌ی روابط مقوله‌سازی میان ساختها متمرکز کرده است، در این مجموعه، بنیان‌های نظری مشترک در رویکردهای ساختمند از جمله قراردادی بودن ساختها و یادگیری آن‌ها به‌عنوان جفت‌های صورت و نقش در سطوح مختلف انتزاع را ارائه می‌دهد. مفهوم اخیر در ادامه‌ی مجموعه از سوی کی و بایبی<sup>۶</sup> مورد واکاوی بیشتری قرار می‌گیرد. کی بر ویژگی‌های زبانی ساختها تکیه می‌کند و بایبی منظری را

1. Cruise
2. Evans
3. Green
4. Ungerer
5. Schmid
6. Bybee

به هویت ساخت‌ها برمی‌گزیند که بر اساس آن، ساخت‌ها به لحاظ یادگیری تعمیماتی کاربرد بنیاد قلمداد می‌شوند. چارچوب «معماری موازی»<sup>۱</sup>، چارچوبی است که از سوی جکندوف<sup>۲</sup> و با تکیه بر طرح‌ریزی نقش ساخت‌ها در این فصل ارائه می‌گردد. فصلی که با مقاله‌ی گرایز<sup>۳</sup> در خصوص اهمیت داده‌های زبانی در دستور ساختمان به اتمام می‌رسد. این مرور انتقادی که کاربرد شم زبانی، پیکره‌های زبانی و رویکردهای رایانشی را در جمع‌آوری داده در پژوهش‌های زبانی مورد بررسی قرار می‌دهد، نه تنها در حوزه دستور ساختمان، بلکه در کلیه مطالعات زبانشناسی همگانی قابل به‌کارگیری است. پس از ارائه مبانی دستور ساختمان در فصل اول، فصل دوم با عنوان «رویکردهای ساختمان»<sup>۴</sup>، به معرفی و واکاوی دستورهای مختلفی اختصاص می‌یابد که با توجه به زیربنای نظری دستور ساختمان به رشته تحریر در آمده‌اند. از آن‌جا که پیشگام این مجموعه از رویکردها «دستور ساختمان برکلی»<sup>۵</sup> بوده‌است، این فصل نیز با مقاله چارلز فیلمور که واضع دستور مذکور است آغاز می‌گردد (چون این دستور در دانشگاه برکلی تولد یافته‌است به این نام مشهور شده‌است). مقاله مذکور که بازنمایی اندیشه‌های مرکزی دستور ساختمان برکلی به شمار می‌آید، در حقیقت گونه‌ی به‌روز شده‌ی کتاب درسی دستور ساختمان است که در ۱۹۹۳ از سوی فیلمور و کی به انتشار رسیده‌است. «دستور ساختمان نشانه‌بنیاد»<sup>۶</sup> رویکرد دیگری است که از سوی میکائلیس<sup>۷</sup> در این مجموعه معرفی می‌گردد. این مدل که به لحاظ مبانی، پیوندی از چارچوب‌های «دستور ساختمان برکلی (فیلمور و کی ۱۹۹۳)» و «دستور ساخت گروهی هسته‌بنیاد (گینزبرگ<sup>۸</sup> و ساگ<sup>۹</sup>)» است و به لحاظ صورت‌بندی، غنی‌ترین مدل دستور ساختمان به‌شمار می‌رود. رویکردهای رایانه‌مدار به دستور ساختمان، از جمله «دستور ساختمان سیال»<sup>۱۰</sup> و «دستور ساختمان جسمی شده»<sup>۱۱</sup> موضوعات دو فصل بعدی مجموعه هستند. لوک استیلز<sup>۱۱</sup> با معرفی دستور ساختمان سیال، در حقیقت مدلی را نه در رقابت با دیگر مدل‌های نحله ساختمان بلکه به‌عنوان امکانی کاملاً اجرایی برای پژوهشگران ساختمان‌گرا ارائه می‌نماید تا با به‌کارگیری آن، طراحی مفاهیم دستوری در تجزیه و تحلیل‌ها و تولید و یادگیری زبان به سهولت به بوتۀ آزمایش گذاشته شوند، اما «دستور ساختمان جسمی-شده»<sup>۱۲</sup> بنجامین برگن<sup>۱۲</sup> و نانسو چانگ<sup>۱۳</sup> رویکردی رایانشی با محوریت علم شناخت به زبان است که زبان را از رهگذر شبیه‌سازی مغز مورد پژوهش قرار می‌دهد. سه بخش پایانی این فصل که نسبت به بخش‌های پیشین از ابزارهای صوری کم‌تری بهره‌برده‌اند، نخست با معرفی دستور شناختی لانگاکر از سوی

1. Parallel Architecture
2. Jackendoff
3. Stefan Gries
4. Berkeley Construction Grammar (BCG)
5. Sign-Based Construction Grammar (SBCG)
6. Michaelis
7. Ginzburg
8. Sag
9. Fluid Construction Grammar (FCG)
10. Embodied Construction Grammar (ECG)
11. Luc Steels
12. Benjamin Bergen
13. Nancy Chang

کریستیانو بروکیاس<sup>۱</sup> آغاز می‌یابد. لانگاکردر دستور شناختی خود که نظریه‌ای در حوزه‌ی نحو و معنا و منظر نظری به زبان به‌عنوان نوعی از هم‌گذاری<sup>۲</sup> میان ساختارهای نمادین است، تفسیری انتزاعی از معماری ساختمان‌داری ارائه می‌دهد و با آن که در سرتاسر کتاب دوران‌سازش (لانگاکر ۱۹۸۷) از واژه «ساخت» به ندرت استفاده می‌کند، اما رویکرد وی را با توجه به تأکید وی که بر مفهوم روابط نمادین معنایی و توصیفی که از دستور به‌عنوان سیاهه‌ای ساختارمند از واحدهای قراردادی زبان دارد می‌توان به‌طور قطع یکی از انواع رویکردهای ساختمان‌داری قلمداد نمود. بخش بعد به رویکرد متعصبانه و صریح ویلیام کرافت به دستور ساختمان‌داری اختصاص دارد. کرافت که چارچوب خود را «دستور ساختمان‌داری» نامگذاری می‌کند، در مقام رده‌شناس برجسته‌ای که پیش از این عمده مطالعات خود را بر شباهت‌های صوری میان زبان‌های دنیا متمرکز نموده بود، اینک نگاه رده‌بنیاد خویش را در انگاره دستور ساختمان‌داری بنیادین به تصویر کشیده است، نگاهی که با حفظ هویت رده‌شناسانه خود و با تکیه بر اندیشه کاربرد-بنیاد بودن زبان، به جای کشف شباهت‌های صوری میان ساختارهای زبانی، برای نخستین بار مطرح‌کننده «ساخت» به‌عنوان واحد بنیادی زبان، اندیشه زبان-ویژگی تمامی ساختارهای زبانی و مفاهیم «نقشه‌های معنایی»<sup>۳</sup> به مثابه نگاشت ساختارها در فضاهای مفهومی وابسته به نقش ساختارها و «فضاهای نحوی»<sup>۴</sup> به منزله جایگاهی برای صورت‌بندی جهانی‌هایی می‌باشد که میان خصوصیات صوری و نقش‌های نحوی ساختارها ارتباط برقرار می‌کنند. فصل سیزده به‌عنوان آخرین فصل این بخش، به مرور بواس<sup>۵</sup> از دستور شناختی گلدبرگ اختصاص می‌یابد. بخش سوم کتاب، کاربرد دستور ساختمان‌داری در سطوح مختلف زبان مورد واکاوی قرار می‌دهد. بوی<sup>۶</sup> با معرفی نظریه خود، «صرف ساختمان‌داری»<sup>۷</sup>، علاوه بر به رسمیت شناختن واحدها و الگوهای صرفی به‌عنوان ساختارهای زبانی، به ارائه ساختارهای سلسله مراتبی در حوزه صرف صرف دست می‌یازد که برخوردار از طرحواره‌های صرفی انتزاعی و زیرطرحواره‌های خاص و زبان-ویژه هستند. وولف<sup>۸</sup> در ادامه تحلیل ساختارهای زبانی، تمرکز خویش را بر نقش «اصطلاحات» در دستور ساختمان‌داری متمرکز می‌نماید و اذعان می‌دارد که برخلاف عقیده غالب، اصطلاحات هر زبان، در اساس، تمایزی با دیگر ساختارهای زبان ندارند بلکه تنها به درجات متفاوتی از مفاهیم اصطلاح‌بودگی، بی‌قاعدگی و ترکیب‌پذیری تعلق دارند. تحلیل «باهم‌آیی»<sup>۹</sup>ها در دستور ساختمان‌داری بررسی فرآیندهای شناختی دخیل در تکوین این ساختارها، محور پژوهش آمار-بنیاد اشتفانوویچ<sup>۱۰</sup> را در فصل بعد تشکیل می‌دهند. این بخش با کاوش در ساختارهای گروهی و بندی انتزاعی و تعیین درجه

1. Christiano Broccias
2. assembly
3. Semantic Maps
4. Syntactic Spaces
5. Boas
6. Booij
7. Constructional Morphology
8. Wulff
9. collocations
10. Stefanowitch

طرحواره‌بودگی در این ساخت‌ها از سوی هافمن<sup>۱</sup> ادامه می‌یابد. هافمن که با تکیه بر مفهوم پیوستار واژگان-نحو، ساخت‌های به غایت مشخص شده (به لحاظ واژگانی) را در انتهای واژگانی پیوستار و ساخت‌های به-غایت انتزاعی با الگوی طرحواره‌ای را در انتهای نحوی پیوستار قرار می‌دهد، دستور ساختمان را بهینه‌ترین دست‌افزار برای تحلیل ساخت‌های انتزاعی زبان از جمله ساخت «مقایسه‌ای همبسته»<sup>۲</sup> در انگلیسی معرفی می‌نماید. «ساخت اطلاع» که موضوع پژوهش لینو<sup>۳</sup> در فصل هجده کتاب است، به دلیل موضوعات مرتبط با آن از قبیل ترتیب سازه، پیش‌انگاره، تأکید، کنش‌وری و کانون و مبتدا ساختی قابل تأمل در مطالعات ساختمان قلمداد شده‌است. کاوش‌های بخش چهارم این مجموعه به ارتباط میان علم شناخت و یادگیری زبان اختصاص یافته‌است. دیزل<sup>۴</sup> در مسیر کشف ماهیت یادگیری زبان اول بر مبنای مدل کاربرد بنیاد و اختصاصاً دستور ساختمان درمی‌یابد که روند بالندگی دستور در ذهن کودکان از ساخت‌هایی با عبارات واژگانی ثابت آغاز می‌شود که به مرور زمان و بر اثر کاربرد زبان به سمت خلق الگوهای پیچیده‌ی طرحواره‌ای هدایت می‌شود که از سطح انتزاع و تغییرپذیری بیشتری در گزینش واژگان برخوردارند. فرآیندی که از آن می‌توان به «زبان‌سازی»<sup>۵</sup> از رهگذر حرکت از ساخت‌های مورد-بنیاد به سمت طرحواره‌های ساختی انتزاعی یاد نمود. ایس<sup>۶</sup> نیز که در این حیطة، یادگیری زبان دوم را مدنظر قرار داده‌است، بر «وفق‌پذیری»<sup>۷</sup> نظام زبان تأکید می‌ورزد، و تعامل ساخت و فرآیند دوباره‌سازی ساخت را در زبان دوم برجسته می‌کند. «روانشناسی زبان» که از سوی بنجینی<sup>۸</sup> در فصل بیست و یک کتاب ارائه می‌گردد، بازنمایی و تولید زبانی را از منظر دستور ساختمان به چالش می‌کشد. بر اساس بنجینی، اکثر پژوهش‌های روان‌شناسی زبان در حوزه‌ی تولید، نه تنها بازنمایی-هایی از واحدهای زبانی را به معرض نمایش می‌گذارند که منطبق با انگاره‌های دستور ساختمانند، بلکه علاوه بر این، بر درک چگونگی شکل‌گیری دستور از رهگذر کاربرد تأکید دارند. این بخش با مقاله‌ی مشترک پالورمولر<sup>۹</sup>، شتیروف<sup>۱۰</sup> و کاپل<sup>۱۱</sup> در خصوص بنیان‌های مغزی معنا، کلمات، ساخت‌ها و دستور پایان می‌گیرد. ایشان که در این پژوهش در پی اثبات حقانیت چارچوب دستور ساختمان از منظری عصب‌شناختی هستند، اذعان می‌دارند که بر اساس فرآیندهای عصبی مرتبط با فرضیات دستور ساختمان، نه تنها باید دانش زبان را مبنایافته از دیگر ظرفیت‌های شناختی بشر تصور نمود، بلکه نحو و معنی را نیز باید هویت‌های درهم‌بافته‌ی زبانی قلمداد نمود. بر این اساس، فرض معنامند بودن طرحواره‌ای‌ترین ساخت‌ها از سوی نویسندگان مطرح می‌گردد، در حالی که فرضیه‌ی ماهیت پیوستاری واژگان و دستور و همسانی این دو قطب از سوی ایشان

1. Hoffman
2. [the ADJ-er...the ADJ-er]
3. Leino
4. Diessel
5. Constructing Language
6. Ellis
7. adaptation
8. Bencini
9. Pulvermüller
10. Shtyrov
11. Capelle

مردود اعلام می‌شود، چرا که بر اساس، مطالعات انجام‌شده، الگوهای فعال‌سازی عصبی، تمایزی آشکار را در تولید و درک سطح واژه (قطب واژگان) و سطح فراواژه (قطب نحو) به نمایش می‌گذارند. آخرین بخش کتاب، گوناگونی و تغییر زبان را در فضای نظری دستور ساختمان‌دیده به‌بوته‌ی تحلیل می‌سپارد. فراید<sup>۱</sup> با طرح اصول «تغییر ساختاری<sup>۲</sup>» و «ساختاری‌شدگی<sup>۳</sup>»، پیوند عمیق دستوری‌شدگی و تحلیل ساختی را در کانون توجه خویش قرار می‌دهد و دستور ساختمان‌دیده را ابزاری ایده‌آل در تشریح پیدایش ساختارهای دستوری و انگیزه‌های نهفته در مسیر تغییرات زبانی قلمداد می‌نماید. بردال<sup>۴</sup> با دستمایه قراردادن چارچوب دستور ساختمان‌دیده و به منظور بازسازی نحوی یک ساخت هندواروپایی فرضی، نگاهی ژرف به ساخت‌های موضوع هم‌ریشه‌ها<sup>۵</sup> می‌نماید و از رهگذر این سیر اکتشافی، دستور ساختمان‌دیده را بهترین گزینه نظری برای بازسازی‌های نحوی زبان به مثابه انبارهای از جفت عنصرهای انتزاعی صورت و معنا بر می‌شمارد. بررسی تغییرات زبانی در قالب ارتباط میان دستوری‌شدگی و دستور ساختمان‌دیده در زمانی از سوی هیلپرت<sup>۶</sup> و با اتخاذ رویکردی پیکره-بنیاد به دستور ساختمان‌دیده و تمرکز بر تأثیر عواملی چون بسامد وقوع و صورت و نقش واحدهای دستوری در حوزه‌ی تغییر زبان در فصل بیست و پنج کتاب ارائه شده‌است. اُستمان<sup>۷</sup> و تروزدال<sup>۸</sup> در راستای مطالعه‌ی گویش‌ها و گفتمان، اقتدار دستور ساختمان‌دیده را در تحلیل گوناگونی‌های زبانی وابسته به موقعیت اجتماعی، جغرافیایی و گفتمانی به تصویر می‌کشند و بر این باورند که مطالعات ساختمان‌دیده-بنیاد، همواره نگاهی تحلیل‌گر به نحوه‌ی توزیع چنین تنوعات ساختاری بافت محور در یک زبان واحد معطوف می‌دارند. آخرین فصل کتاب، ارائه‌دهنده پژوهش هولمان<sup>۹</sup> در خصوص نقش ساخت‌ها در زبان‌شناسی اجتماعی شناختی است. به باور هولمان، هولمان، زبان‌شناسی شناختی و دستور ساختمان‌دیده، مفاهیمی بنیادی و قابل تأمل از قبیل بسامد و طرحواره‌های ساختی را برای تحلیل‌های نظریه‌ی زبان‌شناسی اجتماعی در خود نهفته دارند. چنین منظر نظری، هویت زبان را در نزد پژوهشگران، علاوه بر پدیده‌ای شناختی، به شکل کنشی تعاملی در راستای رفتارهای اجتماعی به تصویر می‌کشد. همان‌طور که پیشتر اشاره گردید، کتاب راهنمای دستور ساختمان‌دیده آکسفورد در فضای فقدان منابع نظری یک‌پارچه در چارچوب دستور ساختمان‌دیده، این خلاء نظری را مقتدرانه پر کرده و در تمام جنبه‌های توصیف این نظریه خصوصاً به لحاظ ارائه‌ی راهنمایی جامع و معتبر در این فضای نظری و از سوی مهم‌ترین اندیشمندان این نحله‌ی فکری موفق عمل نموده‌است. بی‌شک این مجموعه، علیرغم برخی مباحثی که به لحاظ نظری از پیچیدگی بیشتری برخوردارند، چراغی است برافروخته برای محققان و دانش‌پژوهانی که در جاده‌ای که به سمت خلق پایه‌های یک انگاره‌ی ساختمان‌دیده برای دستور زبان منتهی می‌شود گام بر می‌دارند.

1. Fried
2. Constructional Change
3. Constructionalization
4. Barðdal
5. Cognates
6. Hilpert
7. östman
8. Trousdale
9. Hollmann

مطالعه‌ی این کتاب ارزشمند به تمام زبان‌شناسانی توصیه می‌شود که دغدغه‌ی معماری ساختمان‌دانش زبان بشری را در ذهن می‌پرورانند.

### منابع

- Chomsky, Noam. 1995. The Minimalist Program. Cambridge, MA: MIT Press.
- Croft, William and David A. Cruse (2004): Cognitive linguistics. Cambridge: Cambridge University Press.
- Croft, William. 2001. Radical Construction Grammar: Syntactic Theory in Typological Perspective. Oxford & New York: Oxford University Press.
- Evans, Vyvyan and Melanie Green (2006): Cognitive Linguistics : an introduction. Edinburgh: Edinburgh Univ. Press.
- Fillmore, Charles J. & Paul Kay. 1993. Construction Grammar coursebook. Ms., Department of Linguistics, University of California at Berkeley.
- Fillmore, Charles J. & Paul Kay. 1993. Construction Grammar coursebook. Ms., Department of Linguistics, University of California at Berkeley.
- Fillmore, Charles J., Paul Kay & Mary Catherine O'Connor. 1988. Regularity and idiomaticity in grammatical constructions: The case of let alone. Language 64, 501–538.
- Ginzburg, Jonathan & Ivan A. Sag. 2000. Interrogative Investigations: The Form, Meaning, and Use of English Interrogatives. Stanford, CA: CSLI Publications.
- Goldberg, Adele E. 1995. Constructions: A Construction Grammar Approach to Argument Structure. Chicago, IL & London: University of Chicago Press.
- Kay, Paul & Charles J. Fillmore. 1999. Grammatical constructions and linguistic generalizations: The What's X doing Y? construction. Language 75, 1–34.
- Lakoff, George (1987). Women, fire, and dangerous things. Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Langacker, Ronald W. (1987): Foundations of Cognitive Grammar. Vol. I: Theoretical Prerequisites. Stanford, CA: Stanford University Press.
- Ungerer, Friedrich and Hans-Jörg Schmid (2006): An introduction to cognitive linguistics. Harlow ; Munich: Pearson/Longman.